پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

Effectiveness and Human Rights Challenges of Quasi-Judicial Bodies in Supervising Administrative Powers: A Comparative Study of Iranian and Iraqi Law

Muthanna amer joudah alzubaidi [1], Faramarz Atrian [2*], Alireza Ansari Mahyari [3]

1. Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
3. Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 185-202

Article history:

Received: 30 Aug 2025

Edition: 16 Sep 2025

Accepted: 13 Oct 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Quasi-Judicial Bodies, Human Rights, Administrative Justice, Judicial Oversight, Iran and Iraq.

Corresponding Author:
Faramarz Atrian

Address:
Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Na.C., Department of Law.

Orchid Code:
0000-0003-3311-0575

Email:
atrian.f@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Quasi-judicial bodies are specialized forums for resolving administrative disputes and protecting citizens' rights. Nevertheless, limited independence and impartiality, fragmented jurisdiction, weak enforcement, and barriers to access to justice may undermine their effectiveness. This study comparatively examines human rights challenges facing quasi-judicial bodies in Iran and Iraq and identifies measures to strengthen the protection of individual rights

Materials and Methods: A descriptive-analytical method and comparative approach were employed.

Ethical Considerations: Academic integrity was maintained through appropriate source citation, avoidance of evidence misrepresentation, and clear distinction between substantiated findings and the researcher's analysis.

Findings: Despite differences in their legal and institutional frameworks, both countries face challenges concerning adjudicative independence and impartiality, jurisdictional coordination, transparency, defense rights, and enforcement of decisions. In Iran, numerous specialized bodies and differing procedural requirements may impede access to justice. In Iraq, priorities include strengthening institutional independence, improving coordination among adjudicative bodies, and reinforcing decision-enforcement mechanisms. These shortcomings may weaken public confidence and prevent timely, fair remedies, particularly when procedures are complex, decisions lack adequate reasoning, or available review and compliance mechanisms do not provide meaningful redress in practice.

Conclusion: Effective human rights protection requires independent and professionally competent members, clear procedures, safeguards for the right to a defense, defined jurisdiction, stronger judicial oversight, and effective enforcement. The performance of quasi-judicial bodies should be evaluated not only by their legal and institutional arrangements but also by procedural quality and the practical realization of individual rights.

Cite this article as: *alzubaidi, M; Atrian, F & Ansari Mahyari, A. "Effectiveness and Human Rights Challenges of Quasi-Judicial Bodies in Supervising Administrative Powers: A Comparative Study of Iranian and Iraqi Law". 2025.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورۀ دوم، شمارۀ چهارم، زمستان ۱۴۰۴

کارآمدی و چالش‌های حقوق بشری نهادهای شبه‌قضایی در نظارت بر اختیارات اداری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و عراق

مثنی عامر جوده الزبیدی [۱]، فرامرز عطریان [۲*]، علیرضا انصاری مهیاری [۳]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۲-۱۸۵

سابقۀ مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

نهادهای شبه‌قضایی، حقوق بشر، عدالت اداری، نظارت قضایی، ایران و عراق.

نویسندۀ مسئول:

فرامرز عطریان

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۳۱۱-۰۵۷۵

پست الکترونیک:

atrian.f@iau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: نهادهای شبه‌قضایی به‌عنوان مراجع تخصصی حل‌وفصل اختلافات اداری، کارکرد مهمی در حمایت از حقوق شهروندان و تحقق عدالت اداری دارند. با این حال، مسائلی نظیر محدودیت استقلال و بی‌طرفی، پراکندگی صلاحیت‌ها، ضعف ضمانت اجرای تصمیمات و دشواری دسترسی به عدالت می‌تواند اثربخشی این نهادها را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی چالش‌های حقوق بشری نهادهای شبه‌قضایی در نظام‌های حقوقی ایران و عراق و شناسایی راهکارهای تقویت حمایت مؤثر از حقوق اشخاص انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: اصول امانت‌داری علمی، استناد به منابع، پرهیز از تحریف مستندات و تفکیک یافته‌های مستند از تحلیل‌های پژوهشگر رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام، با وجود تفاوت در ساختارهای قانونی و نهادی، با چالش‌هایی در زمینه تضمین استقلال و بی‌طرفی مراجع، هماهنگی صلاحیت‌ها، شفافیت تصمیمات، رعایت حقوق دفاعی و اجرای مؤثر آراء صادرشده مواجه‌اند. در ایران، تعدد مراجع تخصصی و تفاوت تشریفات رسیدگی می‌تواند دسترسی مؤثر به عدالت را دشوار سازد؛ در عراق نیز تقویت استقلال نهادی، هماهنگی مراجع و سازوکارهای اجرای تصمیمات اهمیت ویژه‌ای دارد.

نتیجه: حمایت مؤثر از حقوق بشر مستلزم تقویت استقلال و تخصص اعضا، شفاف‌سازی رویه‌ها، تضمین حق دفاع، تعیین روشن صلاحیت‌ها و توسعه نظارت قضایی و ضمانت اجرای تصمیمات است. ارزیابی کارآمدی نهادهای شبه‌قضایی باید افزون بر ساختارهای قانونی، بر کیفیت رسیدگی و میزان تحقق عملی حقوق اشخاص استوار باشد.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

در عراق بررسی حمایت حقوق بشری در فرایندهای شبه‌قضایی، مستلزم توجه همزمان به ساختار رسیدگی‌های اداری، جایگاه دستگاه قضایی اداری و سازوکارهای نظارت بر تصمیمات عمومی است. قانون شورای دولت عراق شماره ۶۵ سال ۱۹۷۹، با اصلاحات بعدی، ساختارها و صلاحیت‌هایی را در حوزه دادرسی اداری و اختلافات کارکنان پیش‌بینی کرده است؛ همچنین قانون شماره ۷۱ سال ۲۰۱۷ در تحول ساختار شورای دولت و جایگاه آن در نظام حقوقی این کشور اهمیت دارد. با این حال، صرف پیش‌بینی مراجع قانونی پاسخ‌گوی تمام مسائل مربوط به حمایت مؤثر از حقوق اشخاص نیست. چگونگی مرزبندی صلاحیت‌ها، میزان استقلال عملی مراجع، هماهنگی میان نهادهای اداری و قضایی، شفافیت تصمیمات و به‌ویژه ضمانت اجرای مؤثر آراء صادرشده، از جمله موضوعاتی هستند که نیازمند بررسی تطبیقی و ارزیابی انتقادی‌اند. از این‌رو، مطالعه نظام عراق باید میان وجود ساختارهای رسمی و توانایی واقعی آن‌ها در جلوگیری از نقض حقوق و جبران آثار تصمیمات غیرقانونی تمایز قائل شود (قانون شورای دولت عراق، ۱۹۷۹، با اصلاحات بعدی، قانون شماره ۷۱، ۲۰۱۷).

با وجود اهمیت این مسائل، خلأ پژوهشی قابل‌توجهی در نحوه پیوند میان ابعاد نهادی، آیینی و اجرایی حمایت از حقوق بشر در مراجع شبه‌قضایی قابل طرح است. بخشی از مطالعات حقوق اداری بر تعیین صلاحیت مراجع، ساختار نظارت قضایی یا بررسی یک نهاد تخصصی معین تمرکز دارند؛ درحالی‌که ارزیابی حقوق بشری نیازمند نگاهی یکپارچه به کل فرایند رسیدگی است: از لحظه طرح اختلاف و امکان دسترسی به مرجع صالح تا رعایت حقوق دفاعی، صدور تصمیم مستدل، اعتراض قضایی و اجرای نتیجه نهایی. پژوهش تطبیقی الحلاوی و همکاران درباره تعیین مرجع صالح در اختلافات اداری ایران و عراق، برای نمونه، بر مشکلات مرتبط با مرزبندی صلاحیت‌ها و ساختار رسیدگی تأکید می‌کند (الحلاوی و همکاران، ۲۰۲۶، ۸۳–۶۲). با این حال، مسئله‌ای که در پژوهش حاضر برجسته می‌شود، بررسی این موضوع است که نارسایی‌های احتمالی در هر یک از این مراحل چگونه می‌توانند بر حمایت عملی از حقوق اشخاص اثر بگذارند و تفاوت‌های ساختاری دو نظام چه پیامدهایی برای کیفیت عدالت اداری و امکان جبران مؤثر نقض حقوق دارند. این جهت‌گیری، امکان عبور از توصیف مقررات به تحلیل رابطه میان طراحی نهادی و تحقق عملی حقوق را فراهم می‌کند.

بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: نهادهای شبه‌قضایی در نظام‌های حقوقی ایران و عراق تا چه اندازه از تضمین‌های لازم برای حمایت مؤثر از حقوق بشر برخوردارند و مهم‌ترین موانع نهادی، آیینی و اجرایی تحقق این حمایت چیست؟ در پاسخ به این پرسش، چند پرسش فرعی نیز مطرح می‌شود: نخست، استقلال و بی‌طرفی مراجع شبه‌قضایی در دو کشور با چه تضمین‌های قانونی و عملی حمایت می‌شود؟ دوم، تفاوت در صلاحیت‌ها و تشریفات رسیدگی چه تأثیری بر دسترسی اشخاص به عدالت، امکان دفاع و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات دارد؟ سوم، سازوکارهای

اعتراض و نظارت قضایی تا چه اندازه می‌توانند از تصمیمات غیرقانونی جلوگیری کنند یا آثار نقض حقوق را جبران نمایند؟ چهارم، ضمانت‌های اجرای تصمیمات، شفافیت رویه‌ها و تخصص اعضا چه نقشی در اثربخشی این نهادها دارند؟ در نهایت، کدام اصلاحات حقوقی و نهادی می‌توانند بدون تضعیف مزیت تخصصی و سرعت رسیدگی، سطح حمایت عملی از حقوق شهروندان را ارتقا دهند؟

نوآوری پژوهش حاضر در تلاش برای ارائه ارزیابی تطبیقی و حقوق بشرمحور از نهادهای شبه‌قضایی ایران و عراق، با تمرکز همزمان بر ساختار صلاحیت‌ها، تضمین‌های دادرسی منصفانه، امکان نظارت قضایی و قابلیت اجرای تصمیمات است. برخلاف رویکردی که کارآمدی این مراجع را عمدتاً با سرعت رسیدگی یا تعداد پرونده‌های مختومه می‌سنجد، پژوهش حاضر حمایت مؤثر از حقوق اشخاص را معیار اصلی ارزیابی قرار می‌دهد و میان کارآمدی اداری، مشروعیت فرایند رسیدگی و اثربخشی جبران حقوقی ارتباط برقرار می‌کند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و داده‌ها از طریق مطالعه قوانین، مقررات، آراء قضایی و منابع علمی مرتبط گردآوری و تحلیل می‌شوند. در این چارچوب، مقایسه دو کشور نه با هدف برتری‌دادن کلی یک نظام بر دیگری، بلکه برای شناسایی ظرفیت‌های قانونی، محدودیت‌های ساختاری و امکان بهره‌گیری از تجربه‌های حقوقی در جهت اصلاح انجام می‌شود. انتظار می‌رود یافته‌های پژوهش، مبنایی تحلیلی برای پیشنهادهایی همچون شفاف‌سازی صلاحیت‌ها، تقویت تضمین‌های استقلال و بی‌طرفی، ارتقاء حقوق دفاعی، توسعه دسترسی به اطلاعات، بهبود هماهنگی نهادی و تضمین اجرای مؤثر تصمیمات فراهم سازد و نشان دهد که تحقق عدالت اداری، تنها در پرتو پیوند میان قواعد قانونی و حمایت عملی از حقوق شهروندان امکان‌پذیر است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی- کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی- تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. مواد و داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و شامل قوانین اساسی، قوانین و مقررات ناظر بر مراجع شبه‌قضایی، مقررات مربوط به نظارت قضایی بر تصمیمات اداری، آراء قضایی مرتبط، کتاب‌ها، مقاله‌های علمی و اسناد حقوق بشری معتبر در نظام‌های حقوقی ایران و عراق است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، اصول امانت‌داری علمی، صداقت در نقل و تحلیل مطالب، رعایت حقوق مؤلفان و استناد دقیق به منابع مورد استفاده رعایت می‌شود.

۴. یافته‌ها

انتظار می‌رود یافته‌های پژوهش نشان دهد که وجود مراجع شبه‌قضایی و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی نظارت بر تصمیمات اداری، به‌تنهایی برای تضمین حمایت مؤثر از حقوق بشر کافی نیست و کارآمدی این نهادها به کیفیت عملکرد، استقلال عملی، رعایت تشریفات منصفانه و امکان اجرای تصمیمات وابستگی دارد .بر اساس چارچوب تحلیلی پژوهش، تعدد مراجع و تفاوت در حدود صلاحیت‌ها و تشریفات رسیدگی می‌تواند شناسایی مرجع صالح و

پیگیری حقوق اشخاص را دشوار سازد؛ همچنین، ضعف در استدلال و شفافیت تصمیمات، محدودیت دسترسی به اطلاعات، ناکافی‌بودن فرصت دفاع یا دشواری اجرای آراء صادرشده ممکن است اثربخشی حمایت حقوقی را کاهش دهد. انتظار می‌رود مقایسه نظام‌های ایران و عراق، ضمن آشکارکردن تفاوت‌های ساختاری و قانونی آن‌ها، ظرفیت‌های موجود و حوزه‌های نیازمند اصلاح را در زمینه نظارت قضایی، هماهنگی نهادی و تضمین حقوق دفاعی مشخص کند. این موارد، فرض‌های تحلیلی و انتظارات پژوهش‌اند و میزان تأیید آن‌ها باید بر اساس شواهد حاصل از بررسی منابع تعیین شود.

۵. بحث

در بخش بحث، ابتدا مفهوم نهاد شبه‌قضایی، جایگاه آن در ساختار حقوقی و نسبت آن با دستگاه اجرایی و نظام قضایی تبیین خواهد شد تا چارچوب مفهومی مشترکی برای مقایسه دو کشور فراهم آید. در ادامه، ساختار رسیدگی به اختلافات اداری در عراق، جایگاه مراجع اداری و قضایی مرتبط، حدود صلاحیت آن‌ها و شیوه نظارت بر تصمیمات عمومی تحلیل خواهد شد. سپس یافته‌های دو بررسی بر اساس معیارهای یکسان با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا مشخص شود تفاوت در ساختارها و رویه‌ها چه تأثیری بر استقلال مراجع، امکان دفاع مؤثر، شفافیت رسیدگی، پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات و قابلیت جبران نقض حقوق دارد. در مرحله بعد، یافته‌ها در پرتو اصول دادرسی منصفانه و معیارهای شناخته‌شده حقوق بشر تفسیر می‌شوند تا میان وجود تضمین‌های قانونی و تحقق عملی آن‌ها تمایز گذاشته شود.

۵-۱. نهادهای شبه‌قضایی و جایگاه آن‌ها در تحقق حقوق بشر

نهادهای شبه‌قضایی در نظام‌های حقوقی معاصر، به‌واسطه پیچیدگی روابط اداری، گسترش مداخلات دولت در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و ضرورت حمایت مؤثر از حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص، از جایگاه مهمی در تحقق عدالت اداری و تضمین پاسخگویی مقامات عمومی برخوردارند .این نهادها با فراهم‌کردن امکان رسیدگی تخصصی به اختلافات اداری، بخشی از سازوکارهای حمایت از اشخاص در برابر تصمیمات و اقدامات مقامات عمومی را تشکیل می‌دهند (بردلی، ۲۰۲۰، ۷۶۹-۷۴۷).

اهمیت این نهادها صرفاً به حل‌وفصل سریع اختلافات اداری محدود نمی‌شود، بلکه عملکرد آن‌ها باید در چارچوب تضمین دسترسی مؤثر به عدالت، رعایت حق دفاع و برخورداری از رسیدگی منصفانه ارزیابی شود. بر این اساس، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، رعایت تضمین‌های دادرسی منصفانه و وجود سازوکارهای مؤثر برای اعتراض به تصمیمات، از جمله معیارهای اساسی ارزیابی کیفیت عدالت اداری محسوب می‌شوند (سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۸۳؛ آژانس حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و شورای اروپا، ۲۰۱۶، ۳۶-۳۴). نهادهای مزبور با قرار گرفتن در حد فاصل دستگاه اجرایی و نظام قضایی، زمینه رسیدگی تخصصی به اختلافات ناشی از تصمیمات و اقدامات اداری را فراهم می‌کنند (بردلی، ۲۰۲۰، ۷۶۹-۷۴۷؛ سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۸۳).

از منظر تحلیلی، اهمیت نهادهای شبه‌قضایی در این است که مشروعیت عملکرد اداری را به رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص پیوند می‌زنند. با این حال، تخصص و سرعت رسیدگی به‌تنهایی برای تحقق عدالت کافی نیست؛ بلکه استقلال و بی‌طرفی مرجع، امکان دفاع مؤثر و برخورداری از حق اعتراض، تعیین‌کننده میزان حمایت عملی این نهادها از حقوق شهروندان است. بنابراین، کارآمدی نهادهای شبه‌قضایی باید نه صرفاً بر اساس توانایی آن‌ها در کاهش حجم پرونده‌های قضایی، بلکه بر مبنای میزان تضمین دادرسی منصفانه، جلوگیری از خودسری مقامات عمومی و فراهم‌کردن امکان جبران مؤثر نقض حقوق ارزیابی شود.

۵-۱-۱. مفهوم و جایگاه نهادهای شبه‌قضایی در حمایت از حقوق بشر

از منظر حقوق بشر، وجود نهادهای شبه‌قضایی را نمی‌توان صرفاً تدبیری سازمانی برای کاهش حجم پرونده‌های محاکم تلقی کرد؛ این نهادها باید به‌گونه‌ای طراحی و اداره شوند که از یک‌سو، امکان حمایت سریع و مؤثر از حقوق اشخاص را فراهم آورند و از سوی دیگر، مانع تبدیل اختیارات اداری به ابزار اعمال تبعیض، سلب حقوق یا محدود کردن خودسرانه آزادی‌های قانونی شوند. بنابراین، تخصصی بودن مرجع رسیدگی، به‌تنهایی برای تضمین عدالت کافی نیست؛ بلکه شفافیت قواعد رسیدگی، آگاهی اشخاص از دلایل تصمیمات اتخاذشده، امکان ارائه دفاعیات و برخورداری از فرصت اعتراض مؤثر نیز از الزامات اساسی عملکرد حقوق‌مدار این نهادها محسوب می‌شوند.

۵-۱-۲. نقش کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها در تضمین حقوق شهروندان

با توجه به ماهیت و آثار تصمیمات این کمیسیون‌ها، رسیدگی در آن‌ها نباید صرفاً به احراز وقوع تخلف محدود شود، بلکه باید با بررسی دقیق دلایل و مستندات، رعایت حقوق دفاعی اشخاص و صدور آراء مستند و مستدل همراه باشد. در همین راستا، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌های شماره ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۷ مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۰ تأکید کرده است که کمیسیون ماده ۱۰۰، به‌عنوان مرجعی شبه‌قضایی، مکلف است آراء خود را مستند و مستدل صادر کند و دلایل عدم رعایت اصول شهرسازی، فنی یا بهداشتی را به‌روشنی بیان نماید. این الزام، افزون بر تقویت شفافیت تصمیم‌گیری، امکان ارزیابی قانونی رأی و نظارت بر رعایت ضوابط مربوط را فراهم می‌کند (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۴۰۰، دادنامه‌های شماره ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۷).

ترکیب قانونی کمیسیون ماده ۱۰۰ نیز در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن مشخص شده است. مطابق تبصره ۱ این ماده، ترکیب کمیسیون شامل نمایندگان مقرر قانونی، از جمله نماینده وزارت کشور، یکی از قضات دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر است. رعایت این ترکیب قانونی، در کنار بررسی جامع اوضاع‌واحوال پرونده و ارائه استدلال روشن در رأی، از الزامات تصمیم‌گیری قانونی محسوب می‌شود و به افزایش قابلیت ارزیابی و کنترل تصمیمات کمیسیون کمک می‌کند (قانون شهرداری، ۱۳۳۴، تبصره ۱ ماده ۱۰۰؛ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۴۰۰، دادنامه‌های شماره ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۷).

از دیگر تضمین‌های قانونی در این زمینه، امکان شکایت از آراء قطعی کمیسیون ماده ۱۰۰ در دیوان عدالت اداری است. مطابق بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شکایت از آراء قطعی این کمیسیون‌ها از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن‌ها، در حدود مقرر قانونی، در صلاحیت دیوان قرار دارد. با این حال، نظارت دیوان را نباید با تجدید رسیدگی نامحدود به تمام ابعاد موضوع یا جایگزینی تشخیص کمیسیون در همه موارد یکسان دانست؛ بلکه این نظارت در چارچوب حدود صلاحیت قانونی دیوان و با هدف کنترل قانونی‌بودن رأی اعمال می‌شود (قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲، ماده ۱۰، بند ۲).

در مجموع، کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ با رسیدگی تخصصی به تخلفات ساختمانی، نقشی مهم در اجرای مقررات شهرسازی ایفا می‌کنند؛ با این حال، مشروعیت و کارآمدی عملکرد آن‌ها صرفاً به سرعت رسیدگی یا اعمال ضمانت‌اجراهای قانونی وابسته نیست، بلکه مستلزم رعایت حدود صلاحیت، تضمین حقوق دفاعی اشخاص، بررسی دقیق دلایل و مستندات، صدور آراء مستدل و فراهم‌بودن امکان نظارت قانونی بر تصمیمات است. از این منظر، کارآمدی این مراجع زمانی با عدالت اداری سازگار خواهد بود که اجرای مقررات شهرسازی با رعایت حقوق شهروندان همراه شود و ضرورت حفظ نظم شهری به نادیده‌گرفتن تضمین‌های دادرسی منصفانه نینجامد (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۴۰۰، دادنامه‌های شماره ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۷؛ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲، ماده ۱۰).

۵-۱-۳. نقش مراجع حل اختلاف کار و استخدام در حمایت از حقوق اشخاص

در نظام حقوقی ایران، رسیدگی به اختلافات ناشی از روابط کار و اختلافات استخدامی کارکنان دستگاه‌های اجرایی، تابع دو چارچوب حقوقی متمایز است که هر یک از مراجع و تشریفات خاص خود برخوردارند. تفکیک این دو حوزه از آن جهت اهمیت دارد که ماهیت رابطه حقوقی طرفین، مقررات حاکم بر اختلاف و حدود صلاحیت مرجع رسیدگی در هر یک متفاوت است. از منظر حقوق بشر و دادرسی منصفانه نیز، صرف پیش‌بینی مرجع تخصصی برای رسیدگی کافی نیست؛ بلکه این مراجع باید به‌گونه‌ای عمل کنند که امکان طرح مؤثر ادعاها، دفاع از حقوق قانونی و برخورداری از رسیدگی منصفانه برای اشخاص فراهم شود.

نخست، مراجع حل اختلاف موضوع قانون کار مسئول رسیدگی به اختلافات فردی میان کارگر و کارفرما هستند که از اجرای قانون کار، مقررات مرتبط یا قرارداد کار ناشی می‌شوند. ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، سازوکار حل این اختلافات را مشخص کرده و مقرر داشته است که اختلافات، در صورت عدم حصول سازش، از طریق هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف رسیدگی شوند. اهمیت این سازوکار را باید با توجه به ویژگی‌های رابطه کار، به‌ویژه تفاوت در قدرت اقتصادی و موقعیت سازمانی کارگر و کارفرما، تحلیل کرد. در چنین رابطه‌ای، برابری صوری طرفین در فرایند رسیدگی لزوماً به معنای برخورداری برابر از امکان دفاع نیست؛ زیرا یک طرف ممکن است از امکانات مالی، اطلاعاتی و سازمانی بیشتری برخوردار باشد. بنابراین، کارکرد

حمایتی مراجع حل اختلاف کار اقتضا می‌کند که رسیدگی به‌گونه‌ای انجام شود که این تفاوت‌ها مانع احقاق حقوق قانونی هیچ‌یک از طرفین نشود. (عراقی، ۱۳۹۵، ۷۸).

قانون‌گذار در مواد ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون کار، ترکیب و ساختار هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف را تعیین کرده است. این ساختار، با پیش‌بینی حضور نمایندگان گروه‌های مرتبط با روابط کار، در پی آن است که رسیدگی به اختلافات با شناخت کافی از شرایط و اقتضائات این حوزه صورت گیرد. با این حال، تخصص اعضا و تناسب ترکیب هیأت‌ها با ماهیت اختلافات، به‌تنهایی تضمین‌کننده عدالت نیست. تحقق این هدف مستلزم آن است که مرجع رسیدگی، ادعاها و مستندات طرفین را به‌صورت بی‌طرفانه بررسی کند و تصمیم خود را بر مبنای دلایل قابل ارزیابی اتخاذ نماید. از این منظر، تخصص باید در خدمت ارتقاء کیفیت رسیدگی قرار گیرد، نه اینکه جایگزین رعایت حقوق دفاعی و الزامات رسیدگی منصفانه شود.

۵-۱-۴. نقش کمیسیون‌های مالیاتی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در تضمین حقوق شهروندان

کمیسیون‌های مالیاتی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت نیز از دیگر مراجع شبه‌قضایی هستند که تصمیمات آن‌ها ممکن است به‌طور مستقیم بر حقوق مالی، شغلی و قانونی اشخاص تأثیر بگذارد. در رسیدگی‌های مالیاتی، رعایت اصل قانونی بودن مطالبه مالیات، امکان اعتراض به تشخیص‌های اداری، دسترسی مؤثر به اطلاعات مرتبط با پرونده و برخورداری از فرصت دفاع، در حمایت از امنیت حقوقی و جلوگیری از تحمیل تکالیف مالی فاقد مبنای قانونی اهمیت دارد. (هاشمی، ۱۳۹۷، ۳۵). در رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت نیز باید میان ضرورت حفظ سلامت و انضباط اداری و لزوم صیانت از حقوق استخدامی اشخاص تعادل برقرار شود. انتساب تخلف بدون فراهم کردن فرصت کافی برای دفاع، اتخاذ تصمیم بدون بیان دلایل روشن یا اعمال مجازات‌های نامتناسب، می‌تواند اعتماد به نظام اداری و اعتبار سازوکارهای رسیدگی را تضعیف کند. بر همین اساس، رعایت قانون، شفافیت، حق دفاع و امکان نظارت بر تصمیمات، از مؤلفه‌های اصلی عملکرد حقوق‌مدار این مراجع به شمار می‌روند.

۵-۲. چالش‌های حقوق بشری نهادهای شبه‌قضایی در ایران

ارزیابی نهادهای شبه‌قضایی ایران از منظر حقوق بشر، افزون بر بررسی مبانی قانونی و صلاحیت‌های این مراجع، مستلزم شناسایی موانع ساختاری و اجرایی است که ممکن است بر امکان برخورداری مؤثر اشخاص از حقوق و آزادی‌های قانونی تأثیر بگذارند. هرچند پیش‌بینی مراجع تخصصی برای رسیدگی به اختلافات اداری، استخدامی، مالیاتی و سایر دعاوی مرتبط با عملکرد دستگاه‌های عمومی می‌تواند به تسهیل رسیدگی و افزایش تخصص در تصمیم‌گیری کمک کند، تعدد این مراجع و تفاوت در ساختار، صلاحیت و شیوه رسیدگی آن‌ها ممکن است مسائل و محدودیت‌هایی را در مسیر دادخواهی ایجاد کند.

۵-۲-۱. پراکندگی صلاحیت‌ها و تداخل وظایف

تعدد مراجع رسیدگی و مشخص نبودن دقیق حدود صلاحیت هر یک از آن‌ها می‌تواند مشکلاتی را برای افرادی که قصد پیگیری حقوق خود را دارند، ایجاد کند. در چنین شرایطی، ممکن است شخص نداند برای اعتراض به یک تصمیم اداری باید به کدام مرجع مراجعه کند، چه مراحلی را طی کند و از چه راهی می‌تواند اعتراض خود را به‌درستی مطرح سازد. همچنین، هم‌پوشانی صلاحیت برخی مراجع یا روشن نبودن مرز وظایف آن‌ها ممکن است باعث شود که پرونده میان چند مرجع جابه‌جا شود یا درباره مرجع صالح اختلاف به وجود آید. این مشکلات نه‌تنها روند رسیدگی را طولانی‌تر می‌کنند، بلکه ممکن است هزینه‌های مالی و زمانی بیشتری را نیز بر اشخاص تحمیل کنند. در پژوهش تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و عراق نیز به اهمیت تعیین دقیق حدود صلاحیت مراجع اداری و قضایی و تأثیر ساختار صلاحیت‌ها بر هماهنگی در رسیدگی به اختلافات اشاره شده است (الحلاوی و همکاران، ۲۰۲۶، ۸۳-۶۲).

از این منظر، دسترسی به عدالت تنها به معنای وجود مرجع قانونی برای رسیدگی به شکایت نیست؛ بلکه اشخاص باید بتوانند به‌آسانی مرجع صالح را شناسایی کنند، از مراحل رسیدگی آگاه شوند و بدون تحمل هزینه‌ها و دشواری‌های غیرضروری، حقوق خود را پیگیری کنند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز بر ضرورت ایجاد مسیرهای روشن و قابل‌فهم برای دسترسی به عدالت اداری و جلوگیری از سرگردانی اشخاص میان نهادهای مختلف تأکید کرده است (OECD، ۲۰۲۵، بخش «عدالت اداری به‌مثابه رابط مردم و نهادها»).

بنابراین، تعیین دقیق صلاحیت مراجع شبه‌قضایی، کاهش هم‌پوشانی وظایف، اطلاع‌رسانی روشن درباره شیوه طرح شکایت و هماهنگی میان مراجع اداری و قضایی می‌تواند به تسهیل دادخواهی و تقویت حمایت عملی از حقوق شهروندان کمک کند.

۵-۲-۲. محدودیت‌های نظارت قضایی و هماهنگی با دیوان عدالت اداری

هماهنگی میان مراجع شبه‌قضایی و دیوان عدالت اداری نقش مهمی در حمایت از حقوق شهروندان و جلوگیری از بروز مشکلات در فرایند رسیدگی دارد. اگر حدود وظایف این مراجع به‌روشنی مشخص نباشد یا ارتباط مناسبی میان آن‌ها وجود نداشته باشد، ممکن است رسیدگی به شکایات طولانی شود، پرونده‌ها با تأخیر بیشتری مورد بررسی قرار گیرند یا در موارد مشابه، تصمیمات متفاوتی صادر شود. چنین وضعیتی می‌تواند اعتماد اشخاص به نظام رسیدگی اداری را کاهش دهد و تشخیص مسیر قانونی اعتراض را برای آنان دشوار سازد. از منظر حقوق بشر، اهمیت نظارت قضایی در این است که اشخاص بتوانند در برابر تصمیمات غیرقانونی یا نادرست مراجع اداری از حمایت مؤثر برخوردار شوند. صرف پیش‌بینی امکان اعتراض به تصمیمات اداری کافی نیست؛ بلکه باید این امکان وجود داشته باشد که مرجع قضایی صلاحیت‌دار، قانونی بودن تصمیم مورد اعتراض را به‌طور واقعی بررسی کند و در صورت احراز نقض قانون، حمایت لازم را فراهم سازد. اگر نظارت قضایی صرفاً جنبه شکلی داشته باشد یا به دلیل محدودیت‌های قانونی و اجرایی نتواند از حقوق اشخاص حمایت کند، ممکن است

حق اعتراض در عمل تأثیر لازم را نداشته باشد. در اسناد شورای اروپا نیز بر اهمیت نظارت مؤثر بر تصمیمات اداری و ضرورت فراهم بودن سازوکارهای مناسب برای حمایت از حقوق اشخاص تأکید شده است (شورای اروپا، ۲۰۱۸، ۴۶-۴۵ و ۳۷-۳۶).

بنابراین، تقویت هماهنگی میان مراجع شبه‌قضایی و دیوان عدالت اداری، تعیین روشن حدود صلاحیت هر مرجع و تسهیل دسترسی اشخاص به سازوکارهای اعتراض می‌تواند به کاهش اطاله رسیدگی و افزایش انسجام تصمیمات کمک کند. همچنین، لازم است نظارت قضایی به‌گونه‌ای اعمال شود که امکان بررسی مؤثر قانونی بودن تصمیمات اداری و فراهم کردن راهکار مناسب در صورت نقض حقوق اشخاص وجود داشته باشد. تحقق این اهداف می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی، تقویت پاسخگویی دستگاه‌های اداری و تضمین حمایت عملی از حقوق شهروندان ایفا کند.

۵-۲-۳. ضعف ضمانت اجرای تصمیمات و اطاله رسیدگی

چنانچه تصمیمات مراجع شبه‌قضایی از ضمانت اجرای کافی برخوردار نباشند، حق اشخاص برای برخورداری از حمایت مؤثر حقوقی با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا اثربخشی عدالت اداری صرفاً به صدور تصمیم محدود نیست، بلکه اجرای واقعی و به‌موقع آن نیز از الزامات حمایت حقوقی محسوب می‌شود (سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۷۵-۷۴). صدور تصمیم به نفع فرد، بدون امکان اجرای آن در عمل، لزوماً به جبران نقض حق یا رفع آثار تصمیم غیرقانونی منجر نمی‌شود؛ به همین دلیل، اجرای مؤثر تصمیمات و آراء قطعی، بخشی جدایی‌ناپذیر از حق برخورداری از دادرسی منصفانه و حمایت حقوقی مؤثر تلقی می‌شود (سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۷۵-۷۴). تأخیر غیرموجه در رسیدگی نیز می‌تواند اثربخشی حمایت حقوقی را کاهش دهد و اشخاص را در وضعیت بلاتکلیفی قرار دهد. اهمیت رسیدگی در مهلت معقول از آن جهت است که طول مدت رسیدگی باید با توجه به پیچیدگی پرونده، رفتار طرفین، عملکرد مراجع رسیدگی و ماهیت حقی که در معرض خطر قرار دارد ارزیابی شود (سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۷۰-۶۹). همچنین، تصمیمات اداری مؤثر بر حقوق و منافع اشخاص باید در مهلتی معقول اجرا شوند و تأخیر در اجرای تصمیمات جبرانی می‌تواند ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی و اجرایی مؤثر را آشکار سازد

۵-۲-۴. ضرورت ارتقاء تخصص، استقلال و بی‌طرفی اعضا

فقدان دانش کافی در زمینه حقوق اداری، اصول دادرسی منصفانه و الزامات حمایت از حقوق اشخاص می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری را کاهش دهد. آموزش اعضا باید علاوه بر قوانین ماهوی و صلاحیت‌های سازمانی، موضوعاتی مانند بی‌طرفی، منع تبعیض، رعایت حق دفاع، استدلال حقوقی و ضرورت تناسب تصمیمات را نیز در برگیرد.

۵-۲-۵. راهکارهای اصلاحی با تأکید بر تضمین حقوق بشر

برای رفع این چالش‌ها، تدوین آیین دادرسی منسجم برای مراجع شبه‌قضایی، تعیین دقیق صلاحیت‌ها و

ایجاد رویه‌های هماهنگ برای رسیدگی به دعاوی مشابه ضروری است. همچنین، ارتقاء دانش و توانمندی حرفه‌ای اعضای این مراجع می‌تواند به بهبود کیفیت رسیدگی و رعایت استانداردهای دادرسی منصفانه کمک کند (سازمان امنیت و همکاری اروپا/ دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، ۲۰۱۳، ۱۸-۱۷). تصمیمات این مراجع نیز باید تا حد امکان مستدل، شفاف و قابل دسترس باشند و اطلاعات لازم درباره راه‌های اعتراض و مهلت‌های مربوط را در اختیار اشخاص قرار دهند .علاوه بر این، سازوکارهای اعتراض و نظارت قضایی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که پیگیری حقوق اشخاص با موانع رویه‌ای نامتناسب مواجه نشود (شورای اروپا، ۲۰۱۸، ۵۰-۴۷ و ۲۷-۲۶).

در این چارچوب، کارآمدی نهادهای شبه‌قضایی نباید صرفاً بر اساس تعداد پرونده‌های مختومه یا سرعت صدور رأی سنجیده شود، بلکه کیفیت رسیدگی، رعایت حقوق دفاعی، دسترسی مؤثر به سازوکارهای اعتراض و قابلیت اجرای تصمیمات نیز باید در ارزیابی عملکرد آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. این معیارها با اصول شفافیت، حق استماع، اجرای تصمیمات اداری و دسترسی به راهکارهای جبرانی در حقوق اداری هم‌راستا هستند (شورای اروپا، ۲۰۱۸، ۳۶-۳۰ و ۵۰-۴۱).

۵-۳. نهادهای شبه‌قضایی عراق از منظر حقوق بشر

بررسی نهادهای شبه‌قضایی عراق از منظر حقوق بشر مستلزم تحلیل جایگاه این نهادها در ساختار اداری و حقوقی کشور و ارزیابی نقش آن‌ها در حمایت از حقوق شهروندان در برابر تصمیمات و اقدامات مقامات عمومی است. این نهادها، در صورت برخورداری از صلاحیت روشن و تضمین‌های دادرسی مناسب، می‌توانند زمینه رسیدگی تخصصی به اختلافات اداری، بررسی تخلفات و فراهم‌سازی امکان اعتراض به تصمیمات عمومی را مهیا سازند. با این حال، تحقق چنین کارکردی به صرف تأسیس مراجع تخصصی وابسته نیست، بلکه مستلزم برخورداری آن‌ها از استقلال و بی‌طرفی کافی، رعایت حق دفاع، شفافیت در فرایند رسیدگی و وجود سازوکارهای مؤثر برای نظارت بر تصمیمات و اجرای آن‌هاست. از این‌رو، ارزیابی حقوق بشری نهادهای شبه‌قضایی عراق باید افزون بر بررسی مبانی قانونی و ساختار سازمانی آن‌ها، به موانع نهادی و اجرایی مؤثر بر عملکرد این مراجع نیز توجه کند. بر همین اساس، در این بخش، ابتدا ساختار و مبانی شکل‌گیری نهادهای شبه‌قضایی عراق بررسی می‌شود؛ سپس استقلال و بی‌طرفی این مراجع، تضمین‌های مربوط به حق دفاع و دسترسی به عدالت و در نهایت، مهم‌ترین چالش‌های نهادی و اجرایی آن‌ها در حمایت مؤثر از حقوق بشر تحلیل خواهد شد.

۵-۳-۱. ساختار و مبانی شکل‌گیری نهادهای شبه‌قضایی در عراق

در عراق، پس از اصلاحات قانونی سال ۲۰۰۵ و تصویب قانون اساسی جدید، نهادهای شبه‌قضایی در چارچوب تلاش برای سامان‌دهی روابط اداری، کاهش بار پرونده‌های مراجع قضایی اداری و افزایش پاسخگویی دستگاه‌های دولتی مورد توجه قرار گرفتند. هیأت‌های انضباطی کارکنان دولت، کمیسیون‌های رسیدگی به شکایات استخدامی و

کمیسیون‌های تحقیق در پرونده‌های فساد اداری، از جمله مراجعی هستند که در این زمینه فعالیت می‌کنند (جاسم، ۲۰۱۹، ۸۷).

از منظر حقوق بشر، اهمیت این نهادها در آن است که باید امکان اعتراض به تصمیمات و اقدامات اداری و پیگیری ادعاهای مربوط به نقض حقوق اشخاص را فراهم کنند. در عین حال، صرف ایجاد مراجع تخصصی برای رسیدگی به اختلافات، تضمین‌کننده تحقق عدالت نیست؛ زیرا کارآمدی چنین مراجعی به میزان استقلال، بی‌طرفی، شفافیت و رعایت تضمین‌های دادرسی در عملکرد آن‌ها وابسته است.

۵-۳-۲. چالش‌های نهادی و اجرایی نهادهای شبه‌قضایی عراق

از مهم‌ترین چالش‌های نهادهای شبه‌قضایی عراق از منظر حقوق بشر، محدودیت استقلال نهادی و احتمال تأثیرپذیری تصمیم‌گیری از فشارهای سیاسی و سازمانی است؛ وضعیتی که می‌تواند بی‌طرفی مراجع رسیدگی را تضعیف کند و اعتماد عمومی به سازوکارهای حمایت از حقوق اشخاص را کاهش دهد. در این زمینه، پژوهش‌های مربوط به نظام اداری و قضایی عراق بر محدودیت‌های نظارت قضایی بر اختیارات اداری، ضعف سازوکارهای مهار تصمیم‌گیری خودسرانه مقامات و ضرورت تقویت استقلال و ظرفیت حرفه‌ای مراجع رسیدگی تأکید کرده‌اند (علی و همکاران، ۲۰۲۲، ۲۴۷-۲۳۳؛ منصور، ۲۰۲۳ و ۱۹-۱۸). از منظر حقوق بشر، اهمیت این چالش در آن است که استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، از شرایط اساسی جلوگیری از اعمال خودسرانه قدرت و فراهم‌کردن امکان حمایت مؤثر از حقوق افراد محسوب می‌شود.

چالش دیگر، ضعف ضمانت‌های اجرایی تصمیمات و محدودیت ظرفیت تخصصی برخی مراجع است که می‌تواند فاصله میان شناسایی نقض حقوق و جبران عملی آن را افزایش دهد. صرف صدور تصمیمی به نفع شخص، بدون وجود سازوکار مؤثر برای اجرای آن، لزوماً به احقاق حق منجر نمی‌شود. در همین راستا، علی و همکاران بر ضرورت تقویت اختیارات نظارتی مراجع قضایی اداری، الزام مقامات به صدور تصمیمات مستدل و ارتقاء آموزش تخصصی قضات تأکید کرده‌اند (علی و همکاران، ۲۰۲۲، ۲۴۷-۲۳۳). بر این اساس، اثربخشی مراجع رسیدگی را باید نه‌تنها بر مبنای کیفیت تصمیمات، بلکه با توجه به قابلیت اجرای آن‌ها و امکان جبران مؤثر نقض حقوق اشخاص نیز ارزیابی کرد.

از سوی دیگر، پراکندگی نهادی و ضعف هماهنگی میان مراجع اداری و قضایی می‌تواند تعیین مرجع صالح، پیگیری شکایات و دستیابی به راهکار مؤثر برای احقاق حق را با دشواری مواجه سازد. بررسی سازوکارهای پاسخگویی در عراق نشان می‌دهد که وجود نهادهای رسمی، به‌تنهایی تضمین‌کننده پاسخگویی مؤثر نیست؛ بلکه تحقق این هدف به استقلال عملی نهادها، هماهنگی میان آن‌ها و برخورداری از سازوکارهای نظارتی کارآمد وابسته است (منصور، ۲۰۲۳، ۴۱-۴۰ و ۲۸-۲۷). بنابراین، هنگامی‌که حدود صلاحیت مراجع روشن نباشد یا سازوکار مناسبی برای هماهنگی و نظارت وجود نداشته باشد، احتمال تضعیف پاسخگویی و دشوار شدن دسترسی اشخاص به عدالت افزایش می‌یابد.

در مجموع، چالش‌های یادشده نشان می‌دهند که حمایت مؤثر از حقوق بشر در عملکرد نهادهای

شبه‌قضایی عراق، به وجود ساختارهای رسمی رسیدگی محدود نمی‌شود، بلکه به کیفیت عملکرد این ساختارها و میزان برخورداری آن‌ها از استقلال، تخصص، شفافیت و ضمانت اجرای مؤثر وابسته است. از این‌رو، تقویت استقلال و بی‌طرفی مراجع، ارتقاء توان حرفه‌ای اعضا، تضمین اجرای تصمیمات، شفاف‌سازی رویه‌ها و بهبود هماهنگی نهادی باید در راستای افزایش پاسخگویی و حمایت عملی از حقوق اشخاص دنبال شود. البته، ازآنجاکه منابع یادشده عمدتاً به نظام اداری و قضایی عراق پرداخته‌اند، تعمیم یافته‌های آن‌ها به تمامی نهادهای شبه‌قضایی مستلزم بررسی اختصاصی ساختار، صلاحیت و رویه هر مرجع است (علی و همکاران، ۲۰۲۲، ۲۴۷-۲۳۳؛ منصور، ۲۰۲۳، ۴۱-۴۰).

۵-۳-۳. راهکارهای ارتقاء کارآمدی و تضمین حقوق شهروندان

برای افزایش کارآمدی این نهادها، تدوین آیین دادرسی یکپارچه، آموزش تخصصی اعضا، تقویت استقلال و بی‌طرفی در تصمیم‌گیری و ایجاد سازوکارهای مؤثر نظارت ضروری است. همچنین، باید امکان دسترسی اشخاص به اطلاعات مربوط به پرونده خود، آگاهی از دلایل تصمیمات و استفاده از راهکارهای قانونی اعتراض فراهم باشد. در این میان، مقابله با فساد اداری نیز باید با رعایت حقوق دفاعی اشخاص همراه شود؛ زیرا هدف از مبارزه با فساد، تقویت حاکمیت قانون و حمایت از حقوق عمومی است و این هدف نمی‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن تضمین‌های دادرسی منصفانه باشد.

۵-۴. مطالعه تطبیقی نهادهای شبه‌قضایی ایران و عراق با تأکید بر حقوق بشر

بررسی تطبیقی نهادهای شبه‌قضایی ایران و عراق از منظر حقوق بشر، مستلزم شناسایی مبانی مشترکی است که توجیه‌کننده شکل‌گیری و فعالیت این نهادها در فرایند رسیدگی به اختلافات میان اشخاص و مراجع عمومی است. در هر دو نظام حقوقی، ضرورت کنترل اختیارات اداری، رعایت حقوق دفاعی شهروندان، پاسخگو بودن مقامات عمومی و فراهم‌سازی امکان اعتراض به تصمیمات اداری، از جمله موضوعات اساسی در ارزیابی کارکرد این نهادها به شمار می‌روند.

۵-۴-۱. وجوه اشتراک دو نظام حقوقی در حمایت از حقوق شهروندان

مقایسه تطبیقی نهادهای شبه‌قضایی ایران و عراق نشان می‌دهد که در هر دو نظام حقوقی، اصولی مانند عدالت، مسئولیت‌پذیری مقامات اداری، رعایت حقوق دفاعی اشخاص و محدود بودن اختیارات عمومی، در تبیین ضرورت ایجاد و فعالیت این نهادها اهمیت دارند (الحمیدی، ۲۰۱۸، ۹۹). با این حال، ارزیابی حقوق بشری این مراجع مستلزم توجه به فاصله میان شناسایی اصول حقوقی و تحقق عملی آن‌هاست.به بیان دیگر، وجود مقررات قانونی درباره صلاحیت مراجع یا پیش‌بینی حق اعتراض، به‌تنهایی برای اثبات برخورداری اشخاص از حمایت مؤثر کافی نیست؛ بلکه باید بررسی کرد که این حقوق تا چه اندازه در عمل قابل استفاده‌اند و آیا سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تصمیمات خودسرانه و جبران نقض حقوق وجود دارد.

۵-۴-۲. تفاوت‌های ساختاری و نهادی در نظام رسیدگی شبه‌قضایی

وجود هیأت‌های حل اختلاف کار و استخدامی، کمیسیون‌های مالیاتی و کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها نیز امکان رسیدگی تخصصی به طیفی از اختلافات را فراهم می‌کند. با این حال، ارزیابی این ساختار از منظر حقوق بشر باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا مراجع مزبور از استقلال و بی‌طرفی کافی برخوردارند، آیا اشخاص امکان دفاع مؤثر از خود را دارند، آیا تصمیمات با دلایل روشن و قابل ارزیابی صادر می‌شوند و آیا راهکارهای اعتراض و نظارت قضایی در عمل به حمایت مؤثر از حقوق منتهی می‌شوند. بنابراین، تنوع مراجع و وجود امکان اعتراض، ظرفیت‌های مهم نظام حقوقی محسوب می‌شوند، اما میزان تحقق عدالت و پاسخگویی به نحوه اجرای تضمین‌های قانونی وابسته است.

در عراق نیز، با وجود فعالیت مراجع تخصصی مشابه، مشکلاتی مانند محدودیت استقلال، احتمال مداخله سیاسی، پراکندگی نهادی و ضعف ضمانت اجرای تصمیمات، می‌تواند بر میزان حمایت عملی از حقوق شهروندان اثر بگذارد (الحمیدی، ۲۰۱۸، ۹۹). چنانچه رسیدگی به شکایات اداری با استقلال کافی همراه نباشد یا اجرای تصمیمات با موانع جدی روبه‌رو شود، صرف پیش‌بینی مرجع رسیدگی نمی‌تواند تضمین‌کننده جبران مؤثر نقض حقوق باشد. از این‌رو، اصلاح ساختارهای شبه‌قضایی در عراق باید افزون بر بهبود سازمان اداری، بر تقویت تضمین‌های دادرسی منصفانه، شفافیت، پاسخگویی و امکان نظارت مؤثر بر تصمیمات متمرکز شود

۵-۴-۳. مقایسه تضمین‌های دادرسی منصفانه و نظارت قضایی

مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و عراق از منظر حقوق بشر مستلزم بررسی مجموعه‌ای از معیارها، از جمله رعایت حق دفاع، استقلال و بی‌طرفی مراجع رسیدگی، دسترسی به اطلاعات، برخورداری از امکان اعتراض مؤثر و قابلیت اجرای تصمیمات است. این معیارها زمینه ارزیابی میزان انطباق تضمین‌های قانونی با عملکرد عملی نهادهای رسیدگی‌کننده و شناسایی موانع تحقق مؤثر حقوق اشخاص را فراهم می‌کنند. در پژوهش تطبیقی درباره صلاحیت رسیدگی به اختلافات اداری در ایران و عراق نیز بر اهمیت ساختار توزیع صلاحیت‌ها، استقلال مراجع رسیدگی و هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط در تضمین حاکمیت قانون و حمایت از حقوق شهروندان تأکید شده است (الحلاوی و همکاران، ۲۰۲۶، ۸۳-۶۲).

در عراق استقلال دستگاه قضایی اداری، شفافیت فرایندهای رسیدگی و هماهنگی میان نهادهای اداری و قضایی از جمله مؤلفه‌های مهم حمایت مؤثر از حقوق اشخاص به شمار می‌روند. گزارش پایش حاکمیت قانون در عراق و اقلیم کردستان، با ارزیابی وضعیت سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، به برخی چالش‌های ساختاری، از جمله کاستی‌های اداری، محدودیت دسترسی به اطلاعات و ضرورت تقویت استقلال قضایی اشاره کرده است (سازمان تحقیقات و پشتیبانی از حاکمیت قانون و دموکراسی و سازمان کمک‌های مردمی نروژ، ۲۰۲۴، ۳۱-۲۵). اهمیت این مسائل از منظر حقوق بشر در آن است (الحلاوی و همکاران، ۲۰۲۶، ۸۳-۶۲) که ضعف شفافیت و

محدودیت استقلال مراجع رسیدگی می‌تواند امکان نظارت مؤثر بر تصمیمات اداری، پاسخگویی نهادهای عمومی و برخورداری اشخاص از راهکارهای جبرانی مؤثر را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، ارزیابی نظام حقوقی عراق مستلزم توجه همزمان به تضمین‌های قانونی و شرایط نهادی و اجرایی تحقق آن‌هاست.

۶. نتیجه گیری

نهادهای شبه‌قضایی در نظام‌های حقوقی معاصر، به دلیل نقش تعیین‌کننده در حل‌وفصل اختلافات میان اشخاص و نهادهای عمومی، بخشی مهم از سازوکارهای تحقق عدالت اداری و حمایت از حقوق بشر محسوب می‌شوند. با این حال، مسئله بنیادین در ارزیابی این نهادها صرفاً وجود مبنای قانونی، تخصصی‌بودن رسیدگی یا برخورداری از صلاحیت تصمیم‌گیری نیست؛ بلکه میزان توانایی آن‌ها در فراهم‌کردن حمایت مؤثر، منصفانه و قابل اجرا برای اشخاص اهمیت دارد. مقایسه نظام‌های حقوقی ایران و عراق در این پژوهش نشان می‌دهد که بررسی نهادهای شبه‌قضایی باید از توصیف ساختارها و مقررات فراتر رود و رابطه میان طراحی نهادی، تضمین‌های دادرسی و تحقق عملی حقوق شهروندان را در کانون تحلیل قرار دهد. از این منظر، مشروعیت عملکرد این مراجع زمانی قابل دفاع است که اعمال صلاحیت عمومی در چارچوب قانون، با رعایت حقوق دفاعی، تصمیم‌گیری بی‌طرفانه و امکان کنترل مؤثر تصمیمات همراه باشد.

یکی از نتایج تحلیلی مهم پژوهش آن است که حمایت از حقوق بشر در مراجع شبه‌قضایی پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه به پیوستگی مجموعه‌ای از تضمین‌های حقوقی و نهادی وابسته است. استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، دسترسی به اطلاعات، فرصت کافی برای ارائه دفاعیات، صدور آراء مستدل، امکان اعتراض و اجرای مؤثر تصمیم نهایی، حلقه‌های مرتبط یک فرایند واحد را تشکیل می دهند. ضعف در هر یک از این حلقه‌ها می‌تواند اثربخشی سایر تضمین‌ها را کاهش دهد؛ برای مثال، پیش‌بینی حق اعتراض در قانون، بدون اطلاع‌رسانی روشن درباره مهلت‌ها و تشریفات مربوط، ممکن است در عمل امکان بهره‌مندی از این حق را محدود کند؛ همچنین، صدور رأی به نفع شخص، در صورت اجرا نشدن آن، لزوماً به جبران نقض حق منجر نخواهد شد. بنابراین، نوآوری تحلیلی این پژوهش در توجه همزمان به ابعاد نهادی، آیینی و اجرایی عدالت اداری و بررسی پیوند میان آن‌هاست؛ رویکردی که امکان ارزیابی جامع‌تری از میزان حمایت واقعی نهادهای شبه‌قضایی از حقوق اشخاص فراهم می‌سازد.

در نظام حقوقی ایران، وجود دیوان عدالت اداری و مراجع تخصصی رسیدگی به اختلافات کار، مالیات، تخلفات ساختمانی و سایر حوزه‌های اداری، ظرفیت مهمی برای کنترل تصمیمات عمومی ایجاد کرده است. با این حال، تعدد مراجع، تفاوت در حدود صلاحیت‌ها و ناهمسانی تشریفات رسیدگی می‌تواند شناسایی مرجع صالح و پیگیری مؤثر حقوق را برای برخی اشخاص دشوار سازد. از این‌رو، توسعه حمایت حقوقی مستلزم آن است که نه‌تنها حدود صلاحیت مراجع به‌روشنی تعیین شود، بلکه مسیر رسیدگی، مهلت‌های قانونی، شیوه اعتراض و آثار تصمیمات نیز برای شهروندان قابل فهم و دسترس‌پذیر باشد. در این چارچوب، نظارت دیوان عدالت اداری هنگامی

نقش حمایتی مؤثرتری ایفا می‌کند که اشخاص بتوانند بدون مواجهه با موانع رویه‌ای نامتناسب، از ظرفیت‌های قانونی آن استفاده کنند. در نتیجه، اصلاحات موردنیاز در ایران باید علاوه بر تقویت نظارت قضایی، بر کاهش پیچیدگی‌های غیرضروری، افزایش شفافیت و ارتقاء انسجام میان مراجع تخصصی متمرکز شود.

در عراق نیز بررسی حقوقی نهادهای رسیدگی به اختلافات اداری باید میان وجود ساختارهای رسمی و میزان اثربخشی عملی آن‌ها تمایز قائل شود. تثبیت حدود صلاحیت مراجع، تضمین استقلال و بی‌طرفی در تصمیم‌گیری، ارتقاء تخصص حرفه‌ای اعضا، افزایش شفافیت و تقویت سازوکارهای اجرای تصمیمات، از جمله محورهایی هستند که در ارزیابی حمایت از حقوق اشخاص اهمیت دارند. درعین‌حال، نمی‌توان تفاوت‌های تاریخی، قانونی و نهادی دو کشور را نادیده گرفت یا راهکارهای مناسب برای یک نظام را بدون بررسی شرایط نظام دیگر به آن منتقل کرد. ارزش مقایسه تطبیقی در این پژوهش، از این‌رو، نه در برتر دانستن مطلق یکی از دو نظام، بلکه در شناسایی مسائل مشترک، تمایزهای ساختاری و ظرفیت‌های اصلاحی هر نظام نهفته است. چنین رویکردی کمک می‌کند پیشنهادهای اصلاحی بر شناخت دقیق زمینه حقوقی هر کشور استوار باشند و از تعمیم‌های کلی و فاقد پشتوانه پرهیز شود.

بر پایه این تحلیل، اصلاح و تقویت نهادهای شبه‌قضایی باید در قالب مجموعه‌ای هماهنگ از اقدامات حقوقی و نهادی دنبال شود. تدوین یا تکمیل قواعد روشن و منسجم برای رسیدگی، تعیین دقیق صلاحیت‌ها، تضمین فرصت واقعی دفاع، الزام به بیان دلایل و مستندات تصمیمات، دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مربوط به رویه‌ها و راه‌های اعتراض، آموزش مستمر اعضا و تقویت نظارت قضایی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند کیفیت رسیدگی را ارتقا دهند. افزون بر آن، باید اجرای تصمیمات به‌عنوان مرحله‌ای مستقل و اساسی در زنجیره حمایت حقوقی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا عدالت اداری با صدور رأی پایان نمی‌یابد، بلکه تحقق آثار قانونی آن رأی نیز بخشی از حمایت مؤثر از حق محسوب می‌شود. همچنین، سنجش عملکرد این مراجع نباید صرفاً به تعداد پرونده‌های مختومه یا میانگین زمان رسیدگی محدود شود، بلکه باید شاخص‌هایی نظیر رعایت حقوق دفاعی، کیفیت استدلال، میزان اجرای تصمیمات، دسترسی‌پذیری فرایند و اثربخشی سازوکارهای جبرانی را نیز در برگیرد.

در نهایت، دستاورد اصلی این پژوهش را می‌توان در ارائه چارچوبی حقوق بشرمحور برای ارزیابی تطبیقی نهادهای شبه‌قضایی در ایران و عراق دانست؛ چارچوبی که عدالت اداری را نه صرفاً محصول وجود مقررات یا تأسیس مراجع تخصصی، بلکه حاصل تعامل میان صلاحیت قانونی، دادرسی منصفانه، نظارت مؤثر و اجرای واقعی تصمیمات می‌داند. اهمیت این رویکرد در آن است که توجه پژوهش را از ساختار رسمی نهادها به پیامد عملی عملکرد آن‌ها برای اشخاص منتقل می‌کند و مبنایی برای تشخیص دقیق‌تر نقاط ضعف و اولویت‌بندی اصلاحات فراهم می‌آورد. با این حال، ارزیابی قطعی میزان تحقق این معیارها در هر دو کشور، مستلزم بررسی نظام‌مند

آراء منتشرشده، داده‌های مربوط به زمان و هزینه رسیدگی، وضعیت اجرای تصمیمات و تجربه عملی مراجعه‌کنندگان است. بنابراین، مسیر پژوهش‌های آتی می‌تواند با مطالعات میدانی و تحلیل تجربی عملکرد مراجع منتخب تکمیل شود. بر این اساس، نتیجه محوری مقاله آن است که کارآمدی واقعی نهادهای شبه‌قضایی زمانی محقق می‌شود که تخصص و سرعت رسیدگی با استقلال، شفافیت، رعایت حقوق دفاعی، پاسخگویی و قابلیت اجرای تصمیمات همراه باشد؛ زیرا معیار نهایی عدالت اداری، نه صرفاً امکان طرح دعوا یا صدور رأی، بلکه فراهم شدن امکان واقعی و مؤثر استیفای حقوق اشخاص است.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسندهٔ مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- الحلاوی، علی حامد عبید؛ رائی، مسعود و انصاری مهیاری، علیرضا، «چالش‌های تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی به اختلافات اداری در نظام‌های حقوقی ایران و عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های بنیادین در حقوق*، دوره سوم، شماره دوم، ۲۰۲۶.

- الحمیدی، م.، «الرقابة الدستوریة والقضائیة فی النظام العراقی»، *مجلة القانون العام*، دوره هفتم، شماره اول، ۲۰۱۸.

- جاسم، کراری.، «الرقابة القضائیة علی الأعمال الإداریة فی النظام العراقی»، *مجلة القانون والقضاء*، دوره پنجم، شماره چهارم، ۲۰۱۹.

- سازمان ملل متحد، *میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی*، ماده ۱۴، ۱۹۶۶.

- عراقی، سید عزت‌الله، *حقوق کار*، جلد اول، تهران، سمت، ۱۳۹۵.

- قانون شورای دولت عراق، شماره ۶۵، مصوب ۱۹۷۹ با اصلاحات بعدی.

- قانون شماره ۷۱ عراق، مصوب ۲۰۱۷.

- هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، میزان، ۱۳۹۷.

ب. منابع لاتین

- Ali, M. N; Musa, N & Rahman, M. R. bin A, "Judicial Control over Administrative Discretion in Iraq", *Hasanuddin Law Review*, Vol 8, No 3, 2022.

- Bradley, K, Tribunals and Adjudication, in *The Oxford Handbook of Comparative Administrative Law* (pp. 747-769), Oxford University Press, 2020.

- Council of Europe, *The Administration and You: A Handbook—Principles of Administrative Law Concerning Relations Between Individuals and Public Authorities*, Strasbourg ،Council of Europe Publishing, 2018.

- European Union Agency for Fundamental Rights (FRA) & Council of Europe, *Handbook on European Law Relating to Access to Justice*, Publications Office of the European Union, 2016.

- Investigator Organization for Supporting the Rule of Law and Democracy (IOL) & Norwegian People's Aid (NPA), *Report on Monitoring the State of the Rule of Law in Iraq and the Kurdistan Region* (2024), 2024.

- Mansour, R, *Tackling Iraq's Unaccountable State: A Networked Approach to Mobilizing Reformers*, London ،Chatham House, 2023.

- OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (OSCE/ODIHR), *Handbook for Monitoring Administrative Justice*, Warsaw ،OSCE/ODIHR, 2013.

ب. سایت‌های اینترنتی

آژانس حقوق بنیادین اتحادیه اروپا (European Union Agency for Fundamental Rights)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی آژانس حقوق بنیادین اتحادیه اروپا*، https://fra.europa.eu/.

حساندین لا ریویو (Hasanuddin Law Review)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی مجله*، https://scholarhub.unhas.ac.id/halrev/.

چتم هاوس (Chatham House)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی مؤسسه*، https://www.chathamhouse.org/.

سازمان امنیت و همکاری اروپا، دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر (Organization for Security and Co-operation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights — OSCE/ODIHR)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی سازمان*، https://www.osce.org/.

سازمان تحقیقات و پشتیبانی از حاکمیت قانون و دموکراسی (Investigator Organization for Supporting the Rule of Law and Democracy — IOL)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی سازمان*، https://investigator-iol.org/.

سازمان ملل متحد، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر (United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights — OHCHR)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی دفتر*، https://www.ohchr.org/.

شورای اروپا (Council of Europe)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی شورا*، https://www.coe.int/.

وزارت دادگستری عراق (Ministry of Justice of Iraq)، قابل دسترس در: *وبگاه رسمی وزارتخانه*، https://moj.gov.iq/.